

بررسی عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها

سید محمود میر خلیلی *

تقی یعقوبی **

چکیده

در اینکه مجازات حبس در خصوص برخی جرائم مهم مفید و ضروری بوده و وجهه شرعی نیز دارد تردیدی نیست، اما معایب کثیر زندان و همچنین عدم تأمین هدف اصلاحی از آن، دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری را بر آن داشته است تا استفاده از این مجازات را تا حد امکان محدود نمایند. این تحقیق بر آن بوده است تا نقش عوامل قضایی را که در کنار عوامل تقنینی و اجرایی موجب افزایش جمعیت کیفری زندان‌هاست بررسی و راهکارهایی ارائه کند. مجازات‌گرایی و حبس‌گرایی آحاد جامعه، پیشینه خانوادگی و تربیتی قاضی، سوابق بزه‌دیدگی قاضی یا نزدیکان وی، فقدان آموزش‌های جرم‌شناختی، نبود سازوکارهای اجرایی برخی جایگزین‌های حبس و بی‌اعتقادی مقامات قضایی به مؤثر بودن جایگزین‌های حبس در کنار موارد دیگر از عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها در این مقاله مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. سیاست جنایی در مفهوم موسع آن در کشور ما در ابعاد تقنینی، اجرایی و قضایی اشکالات اساسی دارد. در بعد قضایی معیارهای تعیین کیفر به نحو مطلوب به قضات آموزش داده نشده و تبیین نگردیده است. ارائه آموزش‌های جرم‌شناختی به قضات جهت تغییر نگرش آنان به مجرم و مجازات، ضرورتی انکارناپذیر دارد.

واژگان کلیدی

جمعیت کیفری، عوامل جامعه‌شناختی، عوامل خاص قضایی، حبس‌گرایی، آموزش‌های جرم‌شناختی

* دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

Email: mirkhalili@ut.ac.ir

** دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی پردیس بین‌المللی ارس دانشگاه تهران، قاضی دادگستری و

مدرس دانشگاه

Email: yaghuobi.taghi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۷

تاریخ ارسال: ۹۵/۳/۳

فصلنامه راهبرد / سال بیست‌وششم / شماره ۸۲ / بهار ۱۳۹۶ / صص ۱۲۸-۹۹

جستار گشایی

مجازات حبس در شرع مقدس اسلام مشروعیت داشته مورد تأیید کتاب، سنت، اجماع و عقل است. ائمه معصومین علیهم‌السلام در مواردی مانند قتل، ارتداد، مستی، محاربه، سرقت و سکوت نزد حاکم زندان را به‌طور موقت برای متهمان و مجرمان اعمال کرده‌اند، در شریعت اسلام زندان عقوبت ثانوی است و مدت زندان بستگی به نظر حاکم دادگاه دارد و باید به‌عنوان آخرین راه‌حل در مورد مجرمان مورد استفاده قرار گیرد. معایب فراوانی برای مجازات حبس ذکر کرده‌اند از جمله جرم‌زایبودن محیط زندان و هزینه‌های اقتصادی زندان، و به جهت احتراز از آن راهکارهایی پیشنهاد گردیده است. در این تحقیق سعی شده است تا یکی از عوامل اصلی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها در نظام قضایی ایران مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

بدیهی است که اقدامات قضات از عوامل اصلی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها است. در بند نخست این مقاله با تعریف اصطلاحات سعی شده است تا مفهوم سیاست جنایی و انواع آن، حبس‌زدایی، حبس‌گرایی و جمعیت کیفری مشخص شود.

در بند دوم مقاله حاضر، سعی بر این بوده است تا عوامل جامعه‌شناختی که به نحوی قضات را در روانه‌کردن افراد به زندان‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند، عواملی مانند مجازات‌گرایی آحاد جامعه، پیشینه خانوادگی و تربیتی قاضی، سوابق بزه‌دیدگی قاضی یا نزدیکان وی از جمله موارد مورد مطالعه‌اند؛ بی‌تردید چون مقام قضایی نیز از آحاد جامعه و جزئی از آن است وی نیز تحت تأثیر مجازات‌گرایی و حبس‌گرایی آحاد جامعه به تعیین و اعمال بیشتر مجازات حبس گرایش پیدا می‌کند؛ گذشته از آن محیط تربیتی و سوابق بزه‌دیدگی وی نیز از عوامل تأثیرگذار است که در تحقیق تأثیر آنها مشخص و نمایان شده است. در بند سوم تحقیق، عوامل خاص قضایی مؤثر بر حبس‌گرایی قضات مورد تحلیل واقع شده‌اند فقدان سازمان مراقبت خارج از زندان، اعتقاد به بی‌تأثیری جایگزین‌های حبس، نبودن سازوکارهای اجرایی برخی جایگزین‌ها، موارد مورد بررسی در این قسمت تحقیق خواهد بود.

در بند چهارم مقاله به تحقیق در خصوص بعد دیگر عوامل قضایی مؤثر بر افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها یعنی سابقه مطالعاتی و کار قضایی، بی‌تجربه بودن قاضی، فقدان آموزش‌های جرم‌شناختی و عدم بازدید از زندان و توجه به شرایط آن و بررسی نقش اشتباهات قضایی در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها و همچنین به تحلیل آماری از نقش عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها اقدام شده است؛ هر اندازه مقام قضایی در کار یکنواخت قضایی مشغول انجام‌وظیفه باشد و مجازات حبس تعیین کند دچار روزمرگی می‌شود؛ مضافاً فقدان

آموزش‌های جرم‌شناختی از معضلات مهم قوه قضائیه کشورمان به شمار می‌رود و لازم است در این خصوص آموزش‌های دقیق و مکفی و متناوب به قضات داده شود.

۱. مفاهیم حقوقی

برای اینکه مقصودمان در این تحقیق روشن‌تر باشد لازم است تا مفهوم چند اصطلاح را مشخص سازیم که به شرح زیر مفاهیم مذکور تبیین می‌شود.

۱-۱. سیاست جنایی

سیاست جنایی یعنی اصول کلی مربوط به قوانین جزایی کشور (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۲: ۳۷۱). سیاست جنایی در دو مفهوم مضیق و موسع به کار رفته است؛ در مفهوم مضیق سیاست جنایی به مجموعه شیوه‌های سرکوبگرانه‌ای اطلاق می‌شود که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۵: ۲۶). نخستین کاربرد سیاست جنایی در معنایی معادل حقوق کیفری که مبتنی بر جرم- مجرم و قانون- قضا می‌باشد، بوده است (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۳).

در مفهوم موسع سیاست جنایی شامل کلیه شیوه‌ها و روش‌هایی می‌شود که هیئت اجتماع از طریق آنها پاسخگویی به پدیده جنایی جرم و انحراف را سازمان می‌بخشد (کونانی، ۱۳۹۲: ۳۱) و این تعریف را می‌توان جامع‌ترین و مانع‌ترین تعریف موسع سیاست جنایی دانست (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۷).

تعریف اول که تعریف مضیق است به آقای *آتسلم فوئرباخ* آلمانی نسبت داده شده است (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۵: ۲۶) و تعریف موسع به خانم *مری دلماس مارتی* فرانسوی اختصاص دارد (کونانی، ۱۳۹۲: ۳۱).

۱-۲. سیاست جنایی تقنینی

در یک تقسیم‌بندی، سیاست جنایی به تقنینی، اجرایی و قضایی تقسیم می‌شود. سیاست جنایی تقنینی همان‌طور که صراحت خود اصطلاح گویاست به راهبرد یا تفکری جنایی اطلاق می‌گردد که از سوی مقنن اتخاذ شده و در چارچوب یکسری مقررات و انتظامات قانونی مشخص و منصوص تشریح می‌گردد، این قسم از سیاست جنایی عملاً نوع نگرش، قضاوت و برداشت قانون‌گذار را نمایش می‌دهد که اصولاً در قالب جعل و وضع نصوص قانونی عینیت می‌یابد. در این قسم از سیاست جنایی، اندیشه و منطق مقنن در قبال پدیده جنایی و نهادهای پیرامونی آن رخ می‌نمایند که در آشکارترین بعد آن با نهاد جرم‌انگاری سروکار پیدا خواهیم کرد (کونانی، ۱۳۹۲: ۳۱).

۱-۳. سیاست جنایی اجرایی

سیاست جنایی اجرایی سیاستی است که قوه مجریه و اعضای آن از جمله پلیس برای سیاست جنایی تقنینی و به‌منظور پیشگیری از وقوع جرم یا گسترش آن در جامعه اتخاذ می‌کنند (رحمدل، ۱۳۸۶: ۱۷). در عرصه سیاست جنایی اجرایی از یک‌سو نقش و عملکرد مجریان و ضابطان دادگستری در مرحله اولیه رویارویی با پدیده جنایی یعنی کشف جرائم و تعقیب متهمین مطرح است و از سوی دیگر، عملکرد این نهادها و به‌طور کلی عملکرد و نقش قوه مجریه در مرحله پاسخگویی به جرائم و انحرافات یعنی سطوح اجرای احکام و تصمیمات و بسترسازی در راستای پیشگیری از پدیده جنایی ظاهر می‌شود؛ بر این اساس، سیاست جنایی اجرایی، قلمرو و اقتدار قوه مجریه را در امور کلان جنایی انعکاس می‌بخشد که همسو با دستگاه قضا از جمله ارکان اصلی و حقیقی تقویت مدیریت و انتظام اجتماعی در مواجهه با پدیده جنایی می‌باشند (کونانی، ۱۳۹۲: ۶۸).

۱-۴. سیاست جنایی قضایی

به معنای مضیق آن یعنی سیاست جنایی که در تصمیم‌ها و عملکرد دادگاه‌های دادگستری منعکس و مندرج است (لازرژی، ۱۳۷۵: ۱۰۵) مراد از این قسم از سیاست جنایی، رویه و سیاستی است که در آراء و تصمیمات قضات دادگستری برون‌داد عینی می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر، سیاست جنایی قضایی، سیاستی است که قوه قضاییه و به‌ویژه قضات دادگستری برای اجرای قانون و در جریان آن اعمال می‌کنند. در واقع سیاست جنایی قضایی، انعکاس سیاست جنایی تقنینی در جریان رسیدگی قضایی است و نیز تفسیری است که قضات دادگاه‌ها در حین اجرای قانون از آن به عمل می‌آورند و آن را به اجرا می‌گذارند (کونانی، ۱۳۹۲: ۶۵).

۱-۵. حبس‌زدایی^۱

اصطلاح حبس‌زدایی نخستین‌بار توسط راتمن به‌کار رفته است و سپس اسکال در کتابی تحت همین عنوان آن را این‌گونه تعریف کرده است «اصطلاح اختصاری در مورد سیاست دولتی تعطیل تیمارستان‌ها، زندان‌ها و دارالتأدیب‌ها است که بر اساس آن مجانین، مجرمین و منحرفین، آزاد گردیده یا از پذیرش آنان در مخروبه‌های کیفی که به‌طور سنتی در آنها نگهداری می‌شوند، خودداری می‌گردد. در عوض آنان آزاد می‌شوند تا امکان انطباق و سازگاری در جامعه را پیدا کنند، چنین تعریفی هم گسترده و هم پرارزش است. حبس‌زدایی ظاهراً نه‌تنها مربوط به آزاد ساختن زندانیان محکوم‌به حبس‌های طویل‌المدت می‌شود، بلکه ترخیص

افرادی را نیز که بر اساس مقررات قبلی، محکوم به حبس‌های نسبتاً درازمدت می‌شوند، در بر گرفته و حتی شامل تدوین سیاست‌های نگهداری و حبس کوتاه‌مدت موسوم به (در گردان Revolving-door) نیز می‌شود که مربوط به افرادی است که بر اساس برنامه‌های کنترل محلی وارد این گونه نهادها می‌شوند (نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۱۲ و ۱۲۵).

۱-۶. حبس‌گرایی

نکته مقابل حبس‌زدایی است و منظور این است که مقنن، مقامات قضایی، مردم و نهادهای دولتی و غیردولتی در جهت مبارزه با جرم‌گرایی به مجازات حبس دارند و برای جرائم نه‌چندان با اهمیت نیز انتظار تعیین مجازات حبس را دارند و به اصطلاح حبس‌مدار هستند.

۱-۷. مفهوم جمعیت کیفری

منظور از جمعیت کیفری در این تحقیق همه افرادی هستند که تحت قرار تأمین یا جهت تحمل مجازات حبس به زندان معرفی شده‌اند و همچنین افرادی که در اجرای قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم) به زندان معرفی شده‌اند. برخی از افراد نیز در انتظار اجرای مجازات‌های دیگری مانند قصاص و اعدام در زندان محبوس هستند.

۲. عوامل جامعه‌شناختی

در این قسمت از تحقیق به این موضوع پرداخته می‌شود که کدام عوامل اجتماعی موجب می‌گردد تا تورم جمعیت کیفری در زندان وجود داشته باشد. به نظر می‌رسد عواملی مانند مجازات‌گرایی آحاد جامعه، پیشینه خانوادگی و تربیتی قاضی و سوابق بزه‌دیدگی قاضی یا نزدیکان وی در این خصوص مؤثرند که به شرح زیر به تبیین آنها پرداخته می‌شود:

۲-۱. مجازات‌گرایی آحاد جامعه

همان‌گونه که اشاره شد بررسی‌ها، ملاحظات و انعکاس انتظارات عموم و همچنین خواص جامعه به دستگاه قضایی مبین این نکته است که با اکثر مجرمان صرف‌نظر از نوع جرم با اعمال مجازات حبس برخورد قانونی به عمل آید. حتی در برخی موارد ضابطان قوه قضاییه از عملکرد قضات اعلام نارضایتی می‌نمایند و به دستگاه قضایی انتقاد دارند که ما مجرمین را دستگیر می‌کنیم و آنان آزاد می‌کنند، آدم بد ما هستیم و آدم خوب آنان هستند؛ رویکرد سزاگرایی که از سال ۱۹۷۰ میلادی در آمریکای شمالی و برخی از کشورهای اروپایی مورد اقبال دوباره قرار گرفته است، بر مجازات‌های استحقاقی تکیه داشته و با پذیرش برخی مفاهیم اخلاقی مانند اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی و استحقاق عادلانه، هدف از اعمال مجازات را سزادهی می‌داند. از

این گذشته، این رویکرد بازپروری و ملایمت نسبت به بزهکار را نه تنها بی‌فایده می‌انگارد، بلکه آن را مخالف احترام به انتخاب عقلانی بزهکار و کرامت انسانی وی می‌داند. این طرز تلقی سبب شده است تا در عمل سیاست سخت‌گیری نسبت به جرم موجب تغییر مجازات‌ها و تشدید آنها شود؛ اصول تناسب، ثبات و قطعیت مجازات‌ها در عمل نفی‌کننده ملایمت و آزادی زود هنگام و تساهل و تسامح در برابر بزهکاران بوده و نتیجه آن به شکل اجرای قطعی مجازات‌ها و افزایش جمعیت زندانی نمود یافته است که برخی آن را تشدید مجازات‌ها انگاشته‌اند (میرشمس شهشانی، ۱۳۸۶: ۴۹). سزادهی در قالب مجازات یکی از پایه‌های تصمیمات و احکام محکومیت کیفری را تشکیل می‌دهد، سزادهی یکی از فلسفه‌های مجازات است که در آن تأکید اصلی به جای آنکه بر مجرم، اوضاع و احوال شخصی یا فشارهایی باشد که وی برای ارتکاب جرم با آنها روبه‌رو بوده، بر عمل مجرمانه قرار می‌گیرد. چنانچه عمل مجرمانه‌ای ارتکاب یابد، بزهکار به‌وسیله جزا و سزای رنج‌آوری که حداقل باید مساوی با رنج و عذابی باشد که به‌واسطه وقوع جرم ایجاد شده، به مجازات می‌رسد؛ تا عدم تعادلی را که به‌وسیله جرم پدید آمده است جبران کرده، هم خود مجرم از ارتکاب مجدد عمل مشابه بازداشته شود و هم دیگرانی که ممکن است درصد ارتکاب این‌گونه اعمال باشند (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۲۹۲ و ۲۹۱) با این حال مجازات‌گرایی آحاد جامعه در تصمیم قضات نیز مؤثر می‌افتد و قضات جهت تسکین افکار عمومی و جلب رضایت آنان در مواردی دچار عوام‌گرایی کیفری می‌شوند و همسو با افکار عمومی نسبت به تعیین مجازات نوعاً حبس اقدام می‌کنند و این امر یکی از عوامل افزایش جمعیت کیفری زندان‌هاست.

۲-۲. پیشینه خانوادگی و تربیتی قاضی

مهم‌ترین عاملی که در شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد زندگی خانوادگی آنهاست. روانشناسان نشان داده‌اند که در دوران کودکی قابلیت تلقین‌پذیری شخص به‌مراتب از دوران بعد بیشتر است؛ در واقع تعلیم و تربیت دوران کودکی پایه‌های شخصیت را فراهم می‌آورد. عوامل موجود در دوران کودکی تأثیر قاطع و دائمی در شخصیت فرد می‌گذارد. شرایط مادی خانواده و تعداد اعضای آن، شخصیت هر یک از پدر و مادر، رابطه پدر و مادر با کودکان خود و عوامل گوناگون دیگر همه در شخصیت کودکان مؤثرند. خانواده‌های متعادل شخصیت‌های معتدل را تربیت می‌کنند و برعکس چنانچه یک قاضی در خانواده‌ای بزرگ شود که در آن میان پدر و مادر علاقه و تفاهم واقعی وجود ندارد، مرتباً نسبت به یکدیگر خرده‌گیری می‌کنند و همدیگر را تحقیر و تمسخر می‌کنند و در برخی موارد کارشان به کشمکش علنی و پرسروصدا نیز کشیده می‌شود، الزاماً تعارض‌های موجود در کودک درون افکنده می‌شود، نظرها و خواست‌های

متعارض والدین در او نقش می‌بندد و پایه یک شخصیت نامتعادل را فراهم می‌سازد و بر این اساس در موقع قضاوت رفتاری نامتعادل خواهد داشت و نسبت به کلیه عوامل خارجی و مراجعین با خشم و کینه ناخودآگاه واکنش نشان خواهد داد و حتی اگر سعی کند با نظرات شدید رفتار خود را کنترل کند رفتار او بیش از حد معمول خشک و جدی و غیرقابل انعطاف خواهد بود. (صانعی، ۱۳۸۹: ۵۰۴ و ۵۰۲) البته باید توجه داشت تأثیر خانواده در شرایط خاص فرهنگ یک جامعه صورت می‌گیرد و خود خانواده مبدع ارزش‌های اجتماعی نیست، بلکه ارزش‌ها، اعتقادات، وظایف و انتظارات را از جامعه اقتباس می‌کند. بنابراین، تأثیر خانواده محدود به شرایط اجتماعی است و در یک فرهنگ که بیشتر به مسائل مادی و موفقیت فردی تکیه می‌کند فقر خانوادگی می‌تواند باعث سرشکستگی و احساس حقارت اعضای خانواده و در نتیجه احساس کینه و نفرت نسبت به طبقات مرفه جامعه شود (صانعی، ۱۳۸۹: ۵۰۴).

با توجه به اینکه قاضی از قدرت فوق‌العاده برخوردار است و می‌تواند در سرنوشت دیگران تأثیر بسیاری داشته باشد، بنابراین ممکن است افراد معدودی مقام قضاوت را وسیله ارضای حس قدرت‌طلبی خود ساخته باشند، ولی به‌طور کلی عوامل موجود من جمله خود محیط دادگستری طوری است که از اعمال قدرت بی‌رویه افراد جلوگیری می‌کند. ایرانی‌ها طبعاً مخالف زورگویی هستند و اگرچه گاهی به‌ظاهر جور و تعدی و فخرفروشی سایرین را تحمل می‌کنند، ولی باطناً از آن نفرت دارند. در دادگستری نیز قضاتی که بخواهند اعمال قدرت شخصی کنند به‌زودی احترام خود را در میان همکاران از دست می‌دهند. به‌طور کلی قضات ایرانی تحت تأثیر عوامل گوناگون بیشتر متمایل به ارفاق، مسالمت و تواضع هستند. از طرف دیگر وضع اقتصادی و اجتماعی غالب مراجعین دادگستری طوری است که حس ترحم را در قاضی برمی‌انگیزد و بالاخره در فرهنگ ما دستورهای مؤکدی وجود دارد که قاضی را به داشتن صبر و بردباری و پیروی از عدل و انصاف تشویق می‌کند. بدین ترتیب هر چند زندگی خانوادگی تأثیر بسیار محسوس در شخصیت قضات می‌گذارد، ولی ماهیت این شخصیت ممکن است تحت تأثیر دیگر عوامل حیات اجتماعی از قبیل تعلیم و تربیت حقوقی، نظام طبقاتی، فلسفه‌ای که قاضی بدان اعتقاد دارد، شرایط کار دستگاه دادگستری و عوامل متعدد دیگر، تعدیل یافته تا حدی تغییر شکل دهد (صانعی، ۱۳۸۹: ۱۵۰۵). بنابراین بی‌تردید پیشینه خانوادگی و تربیتی قاضی به شرحی که ذکر شد از عوامل حبس‌گرایی برخی قضات است و می‌توان با آموزش و آگاه‌سازی آنان و سایر پیشنهادهایی که در تحقیق ارائه خواهد شد تا حدی این امر را تعدیل کرد.

۲-۳. سوابق بزه‌دیدگی قاضی یا نزدیکان وی

امروزه جرم‌شناسی نوین در برخورد با پدیده بزهکاری، علاوه بر جرم، مجرم و عوامل جرم، قربانی جرم را نیز مورد مطالعه قرار می‌دهد. آقای هانسن فون هیتک برای نخستین بار در کتابی تحت عنوان «بزهکاری و قربانی» آن را به کار برده و شاید بتوان او را پایه‌گذار بزه‌دیده‌شناسی کیفری نامید، بزه‌دیده‌شناسی با تحولات خود از دوره نظری به کاربردی رسیده است (توانا، ۱۳۹۱: ۲۸ و ۲۹).

محققان دریافته‌اند پدرانی که رفتار خشونت‌آمیز با فرزندان و همسر خود دارند و آنها را تحقیر می‌کنند بعدها فرزندان نیز افرادی پرخاشگر و خشن هستند و با همسران خود و به تبع آن با فرزندان خود نیز همین رفتار را خواهند داشت و افرادی خشن و احتمالاً در بزرگسالی مجرم خواهند شد (معظمی، ۱۳۸۹: ۱۱۱) برای جلوگیری از بزهکاری آتی کودکان باید در خانواده محیطی آرام و سالم ایجاد شود، دوستی و تفاهم بین والدین فراهم باشد، حس اعتماد به نفس فرزندان پرورش یابد و سایر نیازهای مادی و معنوی آنان تأمین شود.

چنانچه مقام قضایی شخصاً مورد تعرض بزهکاران قرار گیرد معمولاً سعی می‌کند با مجرمان به شدت برخورد کند و عموماً مجازات حبس را برای مجرمان حتی برای جرائم کم‌اهمیت تعیین می‌کند و این خود می‌تواند یکی از عوامل افزایش جمعیت کیفری باشد و اگر نزدیکان قاضی نیز بزه‌دیده واقع شوند باز وضعیت ذکر شده وجود خواهد داشت. تجربه قضایی نگارنده نشان می‌دهد همکاران قضایی که اسباب و اثاثیه منزلشان مورد سرقت واقع شده است یا به نوامیس آنان تعرض صورت گرفته است عموماً در برخورد با مجرمان شدت عمل فوق‌العاده‌ای به خرج می‌دهند و چه بسا حبس‌های طولانی مدت غیر ضروری و غیر منطقی برای برخی مجرمان در نظر می‌گیرند.

نظام موجود عدالت کیفری با نادیده‌انگاری بزه‌دیده و جبران خسارت‌های وارد بر وی در بسیاری از موارد موجب بزه‌کاری بزه‌دیدگان می‌شود. چنین نظامی به جای آنکه در رفع تعارض بکوشد به تشدید آن می‌پردازد و به جای نزدیک‌ساختن طرف‌های دعوا به یکدیگر فاصله میان آنان را عمیق‌تر می‌کند. در وضعیتی که بزه‌دیده نظام عدالت کیفری را ناتوان از احقاق حقوق خود و جبران خسارت‌ها و آسیب‌های وارده به خود در اثر ارتکاب جرم بداند، ممکن است به اقدام‌های انتقام‌جویانه دست یازد که خود منشأ و موجب بروز جرم‌های دیگر است. در حالی که اگر نظام عدالت کیفری در حمایت از بزه‌دیده نقشی مؤثر داشته باشد، بزه‌دیده هرگز به راه‌های انتقام‌جویانه برای تسکین درد و رنج ناشی از جرم متوسل نمی‌شود. حمایت از بزه‌دیده خواه در قالب حمایت‌های قانونی و قضایی و خواه در قالب حمایت‌های مادی و معنوی موجب می‌شود

تا با کاستن از آسیب‌های روانی وی، خطر انتقام و ارتکاب جرم کاهش یابد. زیرا انتقام‌های فردی بیشتر ناشی از عدم اعتماد به دادگاه‌های کیفری و ضابطان قضایی و احتمالاً بدبینی و نومییدی در مورد تأثیر مراجعه به این مراجع است و چه بسا مجرمی که مقام قضایی با او روبه‌روست همان مجرمی باشد که زمانی بزه‌دیده بود و در اثر عدم احقاق حق خود از جانب دستگاه قضایی، خودش مجرم شده تا به نوعی انتقامش را از جامعه بگیرد و همین موضوع اگر در خصوص مقام قضایی اتفاق بیفتد وی نیز ناخودآگاه با شدت عمل نشان‌دادن در خصوص مجرمان در واقع درصد انتقام‌گیری از آنان برمی‌آید و این شدت عمل اساساً به سابقه بزه‌دیدگی قاضی یا بستگان وی بازگشت دارد.

۳. عوامل خاص قضایی مؤثر بر حبس‌گرایی قضات

عوامل متعددی وجود دارند که واجد جنبه خاص قضایی هستند و در عمل به گرایش قضات به تعیین مجازات حبس تأثیر می‌گذارند مانند فقدان سازمان مراقبت خارج از زندان، بی‌اعتقادی به مؤثر بودن مجازات‌های جایگزین حبس موضوع مواد ۸۷-۶۴ قانون مجازات اسلامی و فقدان سازوکارهای اجرایی مناسب برای اعمال برخی جایگزین‌ها که در این قسمت به تحلیل این موارد پرداخته می‌شود.

۳-۱. فقدان سازمان مراقبت خارج از زندان

دوری از زندگی خانوادگی و زندگی عادی و اجتماعی در مدت تحمل حبس موجب می‌شود زندانی بعد از آزادی با موقعیت‌های نامطلوب جدیدی روبه‌رو شود. نامبرده به دلیل زندانی بودن شغل خود را از دست می‌دهد و معمولاً به علت هزینه‌کردن پس‌اندازهای احتمالی خود در طول دوران تحمل محکومیت از لحاظ مالی نیز در مضیقه است ضمن اینکه موقعیت اجتماعی‌اش به دلیل سوءپیشینه تنزل یافته و از منظر عمومی و حتی خانوادگی و فAMILI نیز جایگاه خود را از دست داده است. در این شرایط حاد اگر به مشکلات فراوان این فرد توجه کافی نشود امکان بازگشت او به تکرار جرم و زندان به مراتب بیشتر از گذشته خواهد بود، لذا در همین راستا و به منظور هدایت مجرم به زندگی شرافتمندانه و جلوگیری از تکرار جرم راهکارهایی پیشنهاد می‌شود که یکی از آنها مراکز مراقبت بعد از خروج است. این مراکز با هدف پیشگیری از وقوع جرم از طریق حمایت مادی و معنوی از زندانیان واجد شرایط و فراهم نمودن زمینه مساعد جهت بازگشت آنان به یک زندگی اجتماعی سالم در مراکز استان‌ها و برخی شهرهای بزرگ ایجاد شده است. آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج، در تاریخ ۱۳۷۸/۲/۱۳ به تصویب رئیس قوه قضاییه وقت رسیده است (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

به دلیل اینکه در برخی از شهرها این مراکز ایجاد نشده‌اند و از آن مهم‌تر به جهت کم‌بودن بودجه و نیروی انسانی و مشکلات دیگر این نهادها نمی‌توانند در نیل به اهداف ذکر شده یاری‌رسان باشند و به این جهت برخی قضات رغبتی به همکاری شایسته با این مرکز ندارند و از اعلام اسامی زندانیان واجد شرایط مطابق ماده ۵ آیین‌نامه به مراکز مراقبت بعدازخروج رغبت نشان نمی‌دهند و از این منظر این امر به نحو غیرمستقیم عاملی مؤثر بر حبس‌گرایی قضات تلقی می‌گردد، مضافاً نبود این مراکز در شهرستان‌ها و عدم اداره صحیح و علمی مراکز موجود از علل افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها محسوب می‌شود.

۳-۲. اعتقاد به بی‌تأثیری جایگزین‌های حبس

مجازات حبس در شرع مقدس اسلام مشروعیت داشته، مورد تأیید کتاب، سنت، اجماع و عقل است. امامان معصوم علیهم‌السلام در مواردی مانند قتل، ارتداد، مستی، محاربه، سرقت و سکوت نزد حاکم، زندان را به‌طور موقت برای متهمان و مجرمان اعمال کرده‌اند. در شریعت اسلام زندان عقوبت ثانوی است و مدت زندان بستگی به نظر حاکم دادگاه دارد و باید به‌عنوان آخرین راه‌حل درباره مجرمان مورد استفاده قرار گیرد (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۸۱ و ۸۲). نظام اسلامی بیشتر به تقویت نیروی ایمان و بازدارنده‌های درونی و فردی استوار است تا بر مجازات که فقط یکی از مکمل‌های جزئی برای اصلاح مفاسد در دیدگاه اسلامی است (صفاری، ۱۳۹۲: ۲۱۴) پرورش صحیح مذهبی که بر مبنای علمی استوار باشد و داشتن ایمان کامل بزرگ‌ترین عامل بازدارنده جنایی است (شاهنگی، ۱۳۸۷: ۸۶). معایب فراوانی برای مجازات حبس ذکر کرده‌اند از جمله آنها می‌توان به جرم‌زای بودن محیط زندان، هزینه‌های اقتصادی زندان، تعارض زندان با اصل شخصی بودن مجازات‌ها، ایجاد پیشینه سوء برای زندانی، اعمال بیشترین مجازات برای افراد فقیر، نابودی حس مسئولیت در زندانیان، انتقال فرهنگ بد موجود در میان زندانیان به سطح جامعه، بیکار شدن افراد فعال جامعه، استقبال افراد ولگرد و بیکار، امکان ابتلا به بیماری‌های خطرناک اشاره کرد (محمدی، ۱۳۸۴: ۸). البته ذکر این نکته نیز لازم است که امروزه کمتر کسی در ضرورت زندان برای جرائم مهم تردید دارد و موافقان نیز برای خود دلایلی دارند. در جهت احتراز از مشکلات پیش‌گفته، راه‌حل‌های متعددی از سوی محققان ارائه شده است که یکی از آنها مجازات‌های جایگزین حبس است. پیشنهاددهندگان مجازات‌های جایگزین در گزارش توجیهی این لایحه دلایلی را برای ورود آنها به‌نظام عدالت کیفری ایران بیان داشتند که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: (۱) در اسلام زندان نقش فرعی در مجازات مجرمان دارد و این مجازات‌ها همسو با سیاست کیفری اسلام است. (۲) با توجه به رویکرد قوه قضائیه مبنی بر کاهش استفاده از حبس، در صورت تصویب ورود ۴۵/۵ درصد از

مجازات‌های قانونی حبس‌های کوتاه‌مدت مشمول جایگزین‌ها خواهد شد. (۳) این مجازات‌ها به دنبال جدانکردن مجرم از جامعه و ایجاد تغییر در او در درون اجتماعی هستند که او در آن به سر می‌برد و به دنبال بازپروری اجتماعی اوست. (۴) این مجازات‌ها برخلاف زندان بار مالی برای قوه قضائیه نداشته و نیاز به فضا و امکانات زندان را از میان برده و در مجموع موجب کاهش هزینه‌ها می‌شود؛ بنابراین ملاحظه می‌کنیم اکثر اهداف ذکر شده اهداف مدیریتی بودند، اما پرسش این است تا چه میزان اهداف ایجابی ذکر شده از جمله نظارت بر مجرمان در جامعه و مراقبت از آنها و اصلاح و بازپروری و از همه مهم‌تر مشارکت‌های دولت یا نهادهای مدنی در اجرای این مجازات‌ها تحقق پیدا خواهد کرد، ارزیابی شاخص‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به‌ویژه روابط انجمنی و شبکه روابط با گروه‌ها و نهادها، اعتماد مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در ایران پایین است، بنابراین تا زمانی که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ایران افزایش پیدا نکند به نظر می‌رسد اجرای این کیفرها، به‌ویژه دوره مراقبت و خدمات عمومی رایگان با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد؛ دقیقاً بر همین مبانی است که قضات به کارآمدی مجازات‌های جایگزین امیدوار نیستند و در حد امکان سعی می‌کنند از تعیین مجازات‌های اجتماعی جایگزین در موارد اختیاری اجتناب کنند. مقنن در ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان و نحوه همکاری آنان با قاضی اجرای احکام و محکوم، به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌وسیله وزارتخانه‌های کشور و دادگستری تهیه می‌شود و با تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد. مقررات این فصل پس از تصویب آیین‌نامه موضوع این ماده لازم‌الاجرا می‌شود. هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۶/۵ به پیشنهاد مشترک وزراتخانه‌های کشور و دادگستری و تأیید رئیس قوه قضائیه و به استناد ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آیین‌نامه اجرایی ماده یاد شده را در ۱۶ ماده تصویب کرده است. در مورد لایحه، لازم به ذکر است باوجود ذکر مهلت سه ماه برای تصویب آیین‌نامه آن بعد از حدود پانزده ماه تصویب شده است که این امر علاوه‌بر نادیده‌انگاشتن قانون از جانب خود نهادهای حاکمیتی، مبین بی‌اعتقادی یا حداقل تردید آنان به کارآمدی مجازات‌های جایگزین است. مضافاً باوجود اینکه به‌موجب ماده پنج نهادهای پذیرنده متقاضی به‌کارگیری محکومان در هر حوزه قضایی مکلفند ظرفیت پذیرش و نوع خدمت مورد نیاز خود را بر اساس خدمات مندرج در مواد دیگر و با ذکر نشانی محل به‌کارگیری محکوم، هر شش ماه یک‌بار با هماهنگی فرمانداران حوزه مربوط به بالاترین مقام دستگاه مربوط در سطح ملی ارائه و مقامات یاد شده نیز اطلاعات به‌دست آمده را

پس از تأیید در اختیار دادستان کل کشور قرار دهند تا به نحو مقتضی به دادستان محل یا رئیس دادگاه بخش اعلام نمایند؛ هنوز هیچ اقدامی در این خصوص به عمل نیامده است که این امر نیز به عدم فرهنگ‌سازی مناسب در خصوص جلب مشارکت‌های دولت یا نهادهای مدنی و پایین بودن سرمایه اجتماعی بازگشت دارد و با این اوصاف نمی‌توان به قضاتی که به استفاده از مجازات‌های جایگزین رغبتی ندارند، خرده گرفت. در هر حال لازم است فرهنگ‌سازی لازم نزد قضات و دیگر عوامل ذکر شده با کار کارشناسی، علمی و برگزاری کلاس‌های توجیهی و آموزشی و به‌کارگیری ظرفیت‌های صداوسیما و غیره صورت گیرد تا بتوان به هدف مطلوب نزدیک شد. کارآمدی و کارایی این نوع مجازات‌ها در ایران، قبل از هر چیز نیازمند بسترسازی حقوقی و از همه مهم‌تر، فرهنگ‌سازی قضایی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۵۰).

۳-۳. نبودن سازوکارهای اجرایی برخی جایگزین‌ها

مقررات مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس در مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ذکر شده است، همچنین همان‌گونه که ذکر شد آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ در ۱۶ ماده در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۵ به تصویب هیئت‌وزیران رسیده است.

ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی تعیین و اجرا می‌شود» و به‌موجب تبصره همان ماده دادگاه به تعیین بیش از دو نوع از مجازات‌های جایگزین، مجاز دانسته نشده است. مطابق ماده ۷۰ همان قانون، دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود و برابر ماده ۷۷ تحت شرایطی به قاضی اجرای احکام اجازه داده شده است تا تبدیل مجازات به مجازات جایگزین حبس را با اخذ نظر مددکار به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد دهد.

در ماده ۷۹ و آیین‌نامه آن به ذکر نحوه تعیین و اجرای مقررات مربوط به خدمات عمومی پرداخته شده است. در ماده ۸۳ ذکر شده است که دادگاه محکوم را به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی ملزم می‌کند و دستورات مراقبتی به **موجب** ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی به شرح زیر هستند:

الف) حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص؛

ب) اقامت یا عدم اقامت در مکان معین؛

پ) درمان بیماری یا ترک اعتیاد؛

ت) پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه؛

ث) خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری؛

ج) خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن؛
 چ) خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه؛

ح) گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

به موجب ماده ۸۵ «جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم...» همان‌طور که در بند قبلی ذکر شد به لحاظ پایین بودن میزان مشارکت‌های مردمی و دولت و عدم فرهنگ‌سازی مناسب میان آنان و قضات، استفاده از خدمات عمومی رایگان به نحو مطلوب صورت نمی‌گیرد که خود این امر موجبات افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها را از جهتی فراهم می‌کند. در خصوص رعایت دستورات مراقبتی ذکر شده در ماده ۴۳ نخست مشکل بالا وجود دارد، دوم برای ارزیابی رعایت یا عدم رعایت دستورات مقررات صریح و دقیقی ذکر نشده است؛ مثلاً معلوم نیست به چه نحوی به احراز رعایت یا عدم رعایت دستورات بندهای مذکور پرداخته خواهد شد تا هم دقیق باشد و هم به‌صورت صوری اجرا نشده باشد. پیشنهاد می‌شود تا طی دستورالعملی مراتب مذکور تعیین تکلیف شود و می‌توان به قاضی اجرای احکام اجازه داد تا از کمک مددکار اجتماعی، مأموران اجرا و مأموران مراقبتی موضوع ماده ۴۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بهره‌مند شود، البته به شرطی که به تعداد کافی نیروهای موجود اختصاص داده شده باشند و الا با وضعیت موجود و مشکل عدم مشارکت مردم و نهادهای مدنی و دولتی نمی‌توان به اجرای جایگزین‌های بالا امیدوار بود و همین امر علتی برای اعمال مجازات حبس به‌جای استفاده از جایگزین‌ها و نتیجه آن افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها خواهد بود. گذشته از آن، مقنن می‌توانست سازوکارهای مناسبی را برای نحوه اجرای این نوع جایگزین‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری جدید ایجاد کند و هرچند در ماده ۴۹۶ عدم اجرای دستورات قاضی اجرای احکام از جانب ضابطین، نیروها و مقامات و مؤسسات و نهادها را با ضمانت اجرای تعقیب انتظامی و اداری و مجازات قانونی مقید ساخته است، ولی صرف مجازات بدون فراهم آوردن امکانات برای آن نهادها و بدون فرهنگ‌سازی مناسب کارگشا نخواهد بود. از طرف دیگر، همان‌گونه که در تبیین مفاهیم ذکر شد غیر از محکومان به حبس، متهمان، محکومان موضوع قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، محکومان موضوع ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم)، در زندان به‌عنوان جمعیت کیفری وجود دارند و نمی‌توان

در خصوص آنان اقدام به استفاده از جایگزین‌ها کرد و خود این موضوع می‌تواند بی‌اعتقادی به ناکارآمدی مجازات‌های جایگزین را تقویت کند یا دست کم آن را کم‌رنگ‌تر نماید.

۴. سابقه مطالعاتی و کار قضایی

علاوه بر مواردی که ذکر شد میزان تحصیلات و نوع آموزش‌های ارائه شده به قاضی و میزان سابقه و تجربه قاضی و ارتباط وی با زندان و درک شرایط زندان و زندانی و اشتباهات قضایی از جمله عواملی است که می‌توانند در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها مؤثرند باشند ما در این قسمت پژوهش به تشریح این موارد می‌پردازیم:

۴-۱. پیشینه قاضی در رسیدگی به جرائم دارای مجازات‌های سنگین

در این قسمت از تحقیق تلاش ما بر این است تا مشخص کنیم که سابقه و پیشینه یک قاضی چگونه در تعیین مجازات حبس مؤثر می‌افتد. به نظر می‌رسد این موضوع علاوه بر ویژگی‌های روانی و روحی مقام قضایی به میزان مجازات‌های تعیین شده توسط مقنن نیز بی‌ارتباط نیست؛ مثلاً جرائم مربوط به حمل، خرید، نگهداری، تولید، کشت، توزیع، فروش، صادرات و واردات مواد مخدر در کشور ما دارای مجازات‌های سنگین عموماً حبس است و در برخی موارد حتی اگر قاضی بخواهد با رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها با متهم رفتار نماید باز هم چاره‌ای جز تعیین مجازات حبس ندارد. ممنوعیت و محدودیت تبدیل مجازات‌های حبس به نوع دیگر برابر ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و همچنین به موجب مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی در این خصوص قابل توجه است در ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در صورت وجود شرایط تخفیف قاضی مجاز شناخته شده است تا فقط تا نصف مجازات قانونی را تخفیف دهد و مجاز نیست آن را به نوع دیگر تبدیل کند. در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی نیز که در مقام بیان میزان و نوع تخفیف و تبدیل مجازات‌هاست، در خصوص حبس تعزیری فقط یک تا سه درجه تخفیف را لحاظ کرده و تبدیل آن به نوع دیگر را تجویز ننموده است که خود این امر به افزایش جمعیت کیفری می‌انجامد. بدیهی است تکرار صدور حکم توسط قاضی با این وضعیت قانون‌گذاری می‌تواند تعیین حبس‌های بلندمدت را در او نهادینه سازد. در واقع تکرار و تداوم تعیین چنین مجازات‌هایی یکی از عوامل افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها است و پیشنهاد می‌شود: نخست مقنن علاوه بر تجدیدنظر در میزان مجازات‌ها در این‌گونه موارد اختیارات قاضی را به نحوی توسعه دهد تا امکان تبدیل مجازات به نوع دیگر وجود داشته باشد. دوم، به قضات آموزش‌های لازم در خصوص معیارهای تعیین مجازات داده شود تا در این‌گونه موارد حساس و ظریف ناخواسته به افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها اقدام نکنند و به نحوی حداقل با تعلیق مجازات یا تعیین حبس کمتر گام مثبتی بردارند، تجربه قاضی نگارنده به‌عنوان

قاضی ویژه رسیدگی به جرائم مربوط به مواد مخدر نشان می‌دهد که با وجود تلاش مجدانه برای تعیین حبس کمتر در مواردی ناگزیر به تعیین حبس علی‌رغم میل باطنی خود بوده و در مشورت و همفکری که با سایر همکاران داشتم آنان نیز این موضوع را مورد تأیید قرار دادند. اصولاً به مصداق ضرب‌المثل «کار نیکو کردن از پر کردن است» تعیین مجازات حبس هر چند در برخی موارد پسندیده و مطلوب نیست به لحاظ تکرار آن از سوی برخی قضات، در نظر آنان عادی جلوه می‌کند و می‌توان با استفاده از موارد پیشنهادی و نیز با تغییر و جابه‌جایی دوره‌ای قضات بین دادگاه‌های حقوقی و کیفری یا تغییر تخصصی پرونده‌ها تا حدی به بهبود وضعیت یاری رساند.

۴-۲. بی تجربه بودن قاضی

بی‌تجربگی قاضی از چند بعد قابل توجه است: یکی از بعد کم‌سابقه بودن برخی قضات و حس قدرت‌طلبی و برتری‌جویی آنان و دیگری از بعد عدم آشنایی و درک صحیح اکثر قضات از شرایط و وضعیت زندان و تحمل حبس، قاضی جوانی که کمتر از ۲۵ سال سن دارد و هنوز تجربه کافی در زندگی شخصی و اجتماعی ندارد و شخصیت وی به نحو کامل تکوین نیافته است با ابلاغ قضایی به‌عنوان دادیار یا دادرس دادگاه بخش مشغول انجام وظیفه می‌شود و با توجه به قدرتی که قانون در اختیار وی قرار داده است می‌تواند افراد متهم را با توسل به قانون به زندان روانه کند بدون اینکه درک درستی از جرم، مجرم و مجازات زندان داشته باشد؛ گذشته از آن اگر شخصیت سنجیده‌ای نداشته باشد نوعی طیب خاطر هم از عمل خود خواهد داشت و به نحوی حس قدرت‌طلبی و برتری خود را ارضا خواهد کرد. چند ماه پیش، احد از نویسندگان این مقاله، به‌عنوان دادرس ویژه دادگاه انقلاب ماکو پرونده‌ای را رسیدگی می‌کرد که دادیار برای چهار نفر قرار بازداشت موقت و متعاقباً قرار مجرمیت و کیفرخواست به اتهام فروش مقدار عمده‌ای ماده مخدر هروئین صادر کرده بود و از محتویات پرونده و دلایل آن صرفاً اتهام به یکی از آنان متوجه بود آن هم اتهام نگهداری مواد مخدر نه فروش آن، چون هنوز فروشی تحقق نیافته بود. از دادیار سوال شد چرا برای هر چهار نفر قرار صادر کردید؟ اظهار داشت چون همه در یکجا حضور داشتند و سابقه دارند اگر دخالت ندارند چرا با هم بودند!! استنباط دادیار محترم گذشته از آنکه با بی‌تجربگی وی بی‌ارتباط نبود، به این دلیل اشتباه بود که ضابطان، ورود یکی از متهمان را که اتهام متوجه او بود به منزل مشاهده کرده و مواد را از او کشف کرده بودند، و متهم و سایر بازداشت‌شدگان اعلام می‌کردند که متهم صبح زود (ساعت ۵) به دنبال مواد رفته و موقع ورود او به منزل، آنها خواب بوده‌اند و ضابطان هم خواب‌بودن آنان را تأیید کرده بودند.

همچنین در اوایل خدمت قضایی با متهمانی مواجهه صورت می‌گرفت که قرائن و اماراتی علیه آنان وجود داشت، ولی جرمشان احراز نمی‌شد؛ مجرم نشناختن آنها و صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت آنان سخت بود. هرچند میل باطنی این بود که آنان باید مجازات شوند، ولی در اثر تجربه، این باور قلبی حاصل شده بود که اگر هزاران مجرم بی‌مجازات بمانند بهتر از آن است که یک بی‌گناه مجازات شود. عمل به حدیث شریف متضمن این مضمون در دوران بی‌تجربگی بسیار سخت و فهم صحیح فلسفه آن مشکل می‌نمود. همین حالت از نحوه رسیدگی توسط برخی دادیاران همکار به‌روشنی مشهود است. انتقال تجربه از سوی همکاران مجرب در این خصوص در مواردی مؤثر و راهگشا است.

بعد دیگر بی‌تجربگی قضات به عدم آشنایی و عدم درک صحیح آنان از شرایط و وضعیت حاکم بر زندان و نیز سختی واقعیت تحمل زندان است؛ اکثر قضات درک صحیحی از آن ندارند. اینکه جرم‌شناسی محکومان عقیده دارد که اغلب جرم‌شناسان بدون آنکه حتی یک روز حبس را تحمل کرده باشند به ایراد سخن می‌پردازند و نظریات مختلف با عبارات جذاب ارائه می‌کنند. جرم‌شناسان مکاتب رایج در بیرون گود نشسته‌اند و درعین حال مجرمان و عوامل دستگاه عدالت را مورد توصیه و نصیحت قرار می‌دهند تا حدود زیادی صحیح به نظر می‌رسد. واقعیت زندان با توصیف آن به‌عنوان یک مرکز بازپروری و ندامتگاه فاصله زیادی دارد. ریاست سابق قوه قضاییه به‌حق پیشنهاد کرده بود که برای درک صحیح از زندان لازم است قضات موقع کارآموزی مدتی را در زندان سپری نمایند. از نظر نگارندگان، اگر کارآموزان حتی به‌جای حبس در میان دیگر زندانیان به‌صورت جداگانه در یک محیط بسته برای مدتی حداقل یک ماه مشابه شرایط زندان نگهداری شوند و آن هم به‌صورت دوره‌ای چهارساله تکرار شود درک صحیحی از زندان و واقعیت‌های آن خواهند داشت و کمتر به مجازات حبس گرایش نشان خواهند داد. یکنواختی رسیدگی به پرونده‌های دارای زندانی موجب می‌شود تا نوعی عادت و بی‌تفاوتی در قضات ایجاد گردد و به‌اصطلاح دچار روزمرگی می‌شوند. تراکم شدید کار موجود در دادگستری و طاقت‌فرسای بودن این کار و خستگی مفرط ناشی از آن نیز از لحاظ روانی در نحوه قضاوت قضات مؤثر است.

کیفر با هر نظریه و هدفی توجیه شود جزء جدایی‌ناپذیر نظام کیفری است. در هر دعوایی که به اثبات مجرمیت و مسئولیت کیفری مرتکب یا مرتکبان می‌انجامد باید تعیین و اعمال شود، بنابراین اگر آموزش نیمی از حقوق کیفری به بررسی جرائم و ارکان تشکیل‌دهنده آنها و مسئولیت کیفری مرتکب اختصاص می‌یابد، تعیین کیفر بر اساس قانون و اصول حاکم بر آن نیمه دیگر آن است که اهمیتی کمتر از نیمه نخست ندارد. در آموزش حقوق کیفری ایران

بیشتر بر نیمه نخست آن تمرکز و تأکید شده است. آنچه مهم تلقی شده این است که دانشجوی حقوق با انواع مهم‌ترین جرم‌ها و ارکان آنها آشنا شود و بحث جرائم بیشتر مطرح شده است تا کیفرها. این امر که چه عامل‌هایی بر کیفردهی اثرگذارند به شکل نظام‌وار آموزش داده نمی‌شوند (محمودی‌جانکی، ۱۳۹۲: ۶۶۷)، البته مجازات‌های هر جرم و عوامل تخفیف، تشدید، تبدیل و موجبات تعلیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما از بُعد معیارهای تعیین کیفر آموزشی داده نمی‌شود.

کیفر هر جرم تعزیری معمولاً گوناگون و از نظر میزان متفاوت است. در اغلب موارد امکان انتخاب یک یا چند نوع کیفر مختلف به دادرس داده شده است. دادرسان باید نوع و میزان هر یک از این کیفرها را مشخص کنند. برای نمونه شلاق تا ۷۴ ضربه، زندان از سه ماه تا ده سال (ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی) و جزای نقدی ثابت یا نسبی حسب مورد. اکنون پرسش این است که دادرس دادگاه کیفری چگونه در مواردی که حق انتخاب دارد- که معمولاً دارد- نوع یا انواع خاصی از کیفر را انتخاب می‌کند و بقیه را کنار می‌نهد با چه استدلال و بر پایه چه دلایلی فاصله میان ۳ ماه تا ۱۰ سال زندان را طی می‌کند و در مورد یک مجرم ۲ سال، برای دیگری ۴ سال و برای نفر سوم ۵ و برای آخری ۱۰ سال را تعیین می‌کند؟ آیا دادگاه در مقام تعیین کیفر محکوم معیارهایی در این زمینه پیش رو دارد یا اختیار آن بی‌معیار است؟ آیا در قوانین و مقررات کیفری اصول راهنمایی برای تعیین کیفر وضع شده است؟ آیا فردی‌سازی را می‌توان بر حاکمیت قانون اولویت داد یا اینکه جمع بین این دو امکان‌پذیر است؟ (محمودی‌جانکی، ۱۳۹۲: ۶۶۹)

برخی اندیشمندان معتقدند موضوع مهم میزان حق اعمال نظر دادرسان در تعیین کیفر است، در حقوق اسلام قاعده عام «التعزیر بما یراه الحاکم» به دادرس اجازه می‌دهد تا به صلاحدید خود اقدام کند. در کشور ما که ملهم از مقررات حقوق اسلام است؛ دادرس در محدوده قانون اختیار دارد ولی معیارهای قانونی صریح و روشن نیستند و معیارهای پراکنده نمی‌توانند چنان متنی واحد و دارای پیام رسا، دادرس را در محدوده اختیاراتش راهنمایی کنند (محمودی‌جانکی، ۱۳۹۲: ۶۷۰).

جنبش مطالعات انتقادی حقوق بر این عقیده است که نقش اصلی و سازنده در صدور حکم به‌وسیله دادگاه‌ها را قانون بر عهده ندارد. به عقیده این جنبش آموزش و مشاوره قضات نیز در این زمینه چندان مؤثر نیست به همین ترتیب، نمی‌توان گفت رویه و سوابق قضایی محاکم در موارد مشابه که در گذشته شکل گرفته است، در نوع و ماهیت تصمیم دادگاه در رسیدگی به دعوی اخیر نقش چندان داشته باشد. در واقع جنبش مطالعات انتقادی حقوق معتقد است آنچه

در این خصوص بیش از هر چیز مؤثر و قابل‌اعتناست «فرهنگ حاکم بر تعیین مجازات» است که ممکن است در تاروپود یک دادگاه یا هیئت قضات نفوذ کرده باشد مبنای فرهنگ مذکور تقلید و پیروی قضات جوان از قضات مجرب است (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۶۸). ریاست سابق قوه در مورد ضعف تدبیر قضایی بیانات ارزشمندی دارد؛ نامبرده یکی از مشکلات را ضعف تدبیر قضایی می‌داند و بیان می‌دارد: «حکم بازداشت‌دادن و قرار وثیقه سنگین در موارد کم‌اهمیت صادر کردن یا قرار کفالت و این قبیل سخت‌گیری‌ها، برای خانواده محکوم و برای جامعه فسادآور است» (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۸۶: ۸۳ و ۸۲).

۳-۴. فقدان آموزش‌های جرم‌شناختی

یکی از منابع سیاست جنایی، یافته‌ها و دستاوردهای مطالعات و پژوهش‌های جرم‌شناختی و رشته‌های مرتبط مانند جامعه‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی کیفری، کیفرشناسی و بزه‌دیده شناسی است که پس از جذب در قوانین و مقررات، قاعده‌مند و نهادمند می‌شوند و ازجمله محتوای حقوق پیشگیری و حقوق بازپروری را تشکیل می‌دهند. نمود یافته‌های جرم‌شناختی نظری و کاربردی در ایران را می‌توان ابتدا در اصول قانون اساسی و سپس در مواد قوانین آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰، مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۸۹ و... لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم و آیین‌نامه سازمان زندان‌ها بررسی کرد (نجفی ابرندآبادی، ژرژپیکا، ۱۳۹۳: ۱۸).

آموزش جرم‌شناسی به‌نوبه خود از این دستاوردهای پژوهشی برای تبیین تحولات رویکرد نظری- کاربردی علوم جنایی تجربی ازجمله جرم‌شناسی بهره می‌برد. مطالعات جرم‌شناختی، به‌عبارت‌دیگر، واقعیت اجتماعی و انسانی جرم را برای کسانی بیان می‌کند که قرار است به‌عنوان کنشگران درونی و بیرونی نظام عدالت کیفری (قانون‌گذار کیفری، ضابط، بازپرس، دادستان، قاضی دادگاه، مددکار اجتماعی، پزشک قانونی، وکیل، کارشناس پیشگیری، کارشناس تربیتی، کارشناس امنیت و...) برای مقابله با مظاهر مختلف بزهکاری، سیاست‌گذاری و اقدام کنند (ژرژپیکا، ۱۳۹۳: ۱۹).

آموزش جرم‌شناسی علی‌رغم اهمیت آن در کشور ما به نحو مطلوب صورت نمی‌گیرد و اندازه نامعتبری از آن با هدف آشناسازی قضات، وکلا، افسران پلیس، جامعه‌شناسان و روانشناسان آینده با مفاهیم و مضامین کلی جرم‌شناسی صورت می‌گیرد و از مواد درسی فرعی محسوب می‌شود و با وجود عمر طولانی آموزش جرم‌شناسی، این رشته همچنان از اعضای فقیر خانواده علوم انسانی باقی مانده است، در چنین شرایط و بستری، توقع و انتظار نظریه‌پردازی

بر اساس مطالعات و تحقیقات میدانی و تجربی واقع‌بینانه نیست، هر چند گسترش دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا در دو دهه اخیر و تدریس تخصصی جرم‌شناسی توسط استادانی که رساله دکترا و سپس مطالعات تخصصی خود را به موضوع‌های جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی جنایی و بزهدیده‌شناسی اختصاص داده‌اند سبب گسترش و ارتقای عملی جایگاه این رشته‌ها به‌ویژه در دانشکده‌های حقوق شده است (نجفی‌ابرنادادی، ۱۳۹۳: ۲۳) ولی همچنان از وضعیت در خور فاصله زیادی وجود دارد و ایجاد رشته مستقل جرم‌شناسی از ضروریات است و می‌تواند بسیاری از مشکلات موجود در زمینه پیشگیری از جرم و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها را برطرف سازد. «جرم‌شناسی با ارائه روشی در شناخت انسان و محیط اجتماعی و طبیعی او این امکان را می‌دهد که با وسعت نظر و سعه‌صدر بیشتری به پدیده بزهدکاری و به فرد بزهدکار بنگریم، با بهره‌گیری از نتایج بررسی‌ها به تحلیل و ریشه‌یابی جرم پرداخته و با آگاهی به عینیت آن، مجرم را به‌عنوان یک فرد ضداجتماعی و فاسد‌نگریسته و با پیش‌داوری عجولانه با او برخوردی غیرمنطقی ننماییم» (نجفی‌توانا، ۱۳۹۱: ۱۷).

قاضی یا یک حقوقدان در برخورد با بزهدکاری نباید تنها درصدد جستجوی مصداق قانونی آن باشد، بلکه او به‌مثابه یک طبیب قبل از هر اقدامی باید درد بیمار را تشخیص و سپس داروی مناسب و لازم را تجویز نماید و گرنه بیمار او نه‌تنها مداوا نمی‌شود بلکه امکان تشدید حالت و احیاناً نابودی وی و حتی شیوع بیماری نیز وجود خواهد داشت، یک جرم‌شناس و یا یک حقوقدان آشنا به این علم به‌راحتی ایمان خواهد داشت که بزهدکاری معمول علل فردی و اجتماعی است و اینکه هیچ انسانی در بدو تولد منحرف و بزهدکار نبوده و این جامعه با عوارض منطقی و جرم‌زای خود او را به‌سوی انحراف و کج‌روی سوق داده است؛ البته انسان موجودی دارای اراده است و مسئول اعمال خویش است ولی برای مؤثربودن اجرای مجازات باید ابتدا زمینه‌های فساد و تباهی نابود شود و بعد از آن اگر افرادی در تعقیب هوای نفسانی و تفکر شیطانی به‌سوی انحراف روی آورند مجازاتی در خور اعمالشان آن هم با هدف اصلاح و بازسازی بر آنها بار نماییم (نجفی‌توانا، ۱۳۹۱: ۱۷) این چنین اقدام پسندیده‌ای صرفاً در اثر آموزش‌های جرم‌شناختی برای قضات به وجود می‌آید، ولی به لحاظ عدم برنامه‌ریزی صحیح دست‌اندرکاران عدالت کیفری و آشنایی کافی نداشتن مسئولین آموزش قوه قضاییه به‌ضرورت آموزش‌های جرم‌شناختی و تراکم شدید و طاقت‌فرسای کار قضایی قضات و فراهم نبودن امکان مطالعات جرم‌شناختی برای قضات موجب می‌شود تا آن‌گونه که شایسته است از آموزش‌های جرم‌شناختی بی‌بهره بمانند و نتوانند از آن در کاهش جمعیت کیفری و رفع سایر معضلات بهره ببرند.

متغیرهای زیادی از جمله توجه به علت‌ها و عامل‌های جرم یا به عبارتی نگاه جرم‌شناختی به جرم و مجرم بر تصمیم مقامات مداخله‌کننده در کیفر به‌ویژه دادرسی دادگاه تأثیر گذارند (محمودی‌جانکی، ۱۳۹۲: ۶۸۶) از طرف دیگر قواعد ماهوی حقوق جزا و مجازات مجرمین آن‌چنان به هم مرتبط هستند که نمی‌توان هیچ‌گامی در راستای بدون دیگری برداشت (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۱: ۲۶۹) بر همین اساس نیز آموزش‌های جرم‌شناختی حائز کمال اهمیت است.

۴-۴. عدم بازدید از زندان و بی‌توجهی به شرایط آن

یکی دیگر از عوامل افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها عدم آگاهی کافی مقامات قضایی به وضعیت موجود در زندان‌ها است و این در حالی است که امکان اجرای برنامه‌های اصلاحی و تربیتی در زندان‌ها به لحاظ تراکم شدید جمعیت زندانیان و کمبود فضای موجود و قدیمی بودن ساختمان زندان‌ها میسر نیست و وضعیت بهداشتی در سطح بسیار پایین قرار دارد و امکان طبقه‌بندی صحیح وجود ندارد بدیهی است مقام قضایی که به چنین وضعیت اسفناکی مطلع نیست احتیاط لازم را در روانه کردن افراد به زندان نخواهد داشت. بازرسی و بازدید از زندان یک امر ضروری و لازم است و به کاهش جمعیت زندانی هم از جهت ورودی زندان تأثیر مثبت می‌گذارد و هم از جهت افزایش خروجی از زندان مؤثر است. یکی از نویسندگان به‌عنوان قاضی به یاد ندارد یک مورد بازرسی و بازدید از زندان داشته باشد، ولی منجر به آزادی یا خروج موقت مددجویانی از زندان نشده باشد؛ به ذکر یک نمونه ثبت شده در چندین سال قبل که به‌عنوان دادستان عمومی و انقلاب شهرستان ماکو دیداری از زندان ماکو داشته است اشاره می‌شود: در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۸ در داخل کلیه بندهای زندان ماکو حضور یافته به تعداد ۲۲ نفر از زندانیان جرائم خاص (موضوع ماده ۲۲۶ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی) مرخصی اعطا شد و پنج نفر از محکومان به داشتن شرایط بهره‌مندی از آزادی مشروط و ارائه تقاضای خود ارشاد شدند، دو نفر ارشاد شدند که تقاضای عفو موردی خود را با استفاده از آیین‌نامه کمیسیون عفو و بخشودگی مطرح نمایند و برای یک نفر مرخصی پایان حبس صادر شد، آمار زندانیان تحت قرار اخذ شد تا با مقامات مربوط مکاتبات و هماهنگی لازم جهت رسیدگی سریع و خارج از نوبت به پرونده‌های آنان صورت گیرد. با تقاضای تقسیط جزای نقدی یکی از مددجویان موافقت شد، دستوری صادر شد تا مددکاران زندان درخصوص اخذ رضایت از شاکی خصوصی یک نفر از مددجویان اقدام لازم را به عمل آورند. میزان وثیقه خواسته شده از شورای طبقه‌بندی برای دو زندانی تقلیل یافت تا آنان بتوانند از مزایای مرخصی و اشتغال به کار بهره‌مند شوند. بدیهی است که هر یک از مقامات

قضایی به نوبه خود می‌توانند اقداماتی نظیر موارد مذکور را انجام دهند و در کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مؤثر باشند.

بازدید مستمر و مداوم از زندان‌ها، اثرات مطلوب و سازنده‌ای در بهینه‌سازی وضع زندان‌ها، شناسایی و رفع مشکلات زندانیان، شناخت مسائل و مشکلات اجتماعی و تقویت روحیه زندانی و آماده‌سازی وی جهت بازگشت سعادت‌مندانه به اجتماع و تشویق مسئولین و مراقبین زندان‌ها در پی دارد (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۸۷ و ۱۸۶)، گذشته از موارد ذکر شده، یکی از راه‌های کاستن از تعداد زندانیان تسریع در رسیدگی به پرونده‌های متهمین بلا تکلیف است و نظارت بر این امر مهم را علاوه بر اینکه دادیاران ناظر زندان باید دقیقاً اعمال کنند؛ بهتر است گاهی نیز عالی‌ترین مقام قضایی که مسئولیت اجرای دقیق عدالت بر عهده اوست از زندان‌ها بازدید به عمل آورد و مشکلات زندانیان، به‌خصوص متهمان تحت قرار را بررسی نماید و در رفع آنها بکوشد و اگر چنین شود اعتماد مردم به دستگاه قضایی بیشتر و تعداد زندانیان نیز کمتر خواهد شد. زیرا بازرسی و بازدید ناگهانی عالی‌ترین مقام قضایی سبب خواهد شد که اگر احتمالاً قاضی، خطایی مرتکب شده باشد و متهمی را غیرقانونی بازداشت کرده باشد تعقیب شود و اصولاً نفس این‌گونه بازرسی‌ها، قضاات را به دقت بیشتر و با احتیاط بیشتر و از ارتکاب تخلف خودداری خواهند کرد (محمدی، ۱۳۸۴: ۷۴ و ۷۵).

خوشبختانه در حال حاضر رویه جاری در دادگستری‌های سراسر کشور این است که هر چقدر بازدید قضاات از زندان‌ها بیشتر باشد به همان نسبت آن امر یک حسن و نکته قوت برای آن حوزه قضایی محسوب می‌شود و حوزه‌هایی که بیشترین بازدید را داشته‌اند مورد تقدیر و تشویق مسئولان مافوق قضایی قرار می‌گیرند و برخی مواقع نیز توسط مقامات ارشد قوه قضائیه از زندان‌ها بازدید و بازرسی معمول می‌شود و این امر ثمرات خوبی در پی داشته و در تقلیل جمعیت کیفری زندان‌ها بسیار مؤثر بوده است. البته برخی قضاات جوان و کم‌تجربه اساساً از باب رفع تکلیف از زندان بازدید می‌کنند که لازم است توسط دادستان‌ها و رؤسای دادگستری‌ها آموزش و توجیه شوند تا اهمیت موضوع را درک کنند و به‌عنوان یک امر بسیار مؤثر و مثبت در این مورد اقدام کنند.

۴-۵. اشتباهات قضایی

به‌محض این‌که این عبارت به گوش می‌رسد بلافاصله قیافه افراد مفلوک و سیاه‌بخت به ذهن متبادر می‌شود که در اثر یک محکومیت اشتباه باید روزها و سال‌ها در گوشه سلول‌های زندان عمر بگذرانند و برای آزادی خود روزشماری کنند و محرومیت از آزادی را تحمل نمایند و برای جرمی مجازات شوند که روحشان از آن خبر ندارد. بدیهی است افرادی که چنین سرنوشت

شومی پیدا می‌کنند وجود دارند، ولی تعداد آنها در مقابل کسانی که سال‌ها در اثر اقدامات تأمینی قضات تحقیق و قضات دادگاه‌ها بلا تکلیف به سر می‌برند و بعد هم حکم برائت خود را به دست می‌آورند یا حتی در بعضی از موارد به لحاظ حفظ حیثیت و اعتبار دستگاه قضایی دادگاه متهم را به همان مدت سپری شده در زندان محکوم می‌نماید، بسیار ناچیز است. رقم عمده افراد قربانی اشتباهات قضایی را این دسته از متهمان تشکیل می‌دهند که در نتیجه رسیدگی نهایی تبرئه یا قرار منع تعقیب آنان صادر می‌شود.

صرف‌نظر از تبعات منفی و مفسده‌ای که اشتباهات قضایی به دنبال دارد، این امر موجب افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها می‌شود و جداً باید در این خصوص از سوی قضات دقت کافی صورت گیرد. موارد ذیل از جمله اشتباهاتی هستند که نتیجه آنها افزایش جمعیت کیفری زندان است.

۱- عدم توجه به صلاحیت یا عدم احراز صلاحیت و صدور قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم که در این صورت تا رفع اختلاف از سوی مرجع صالح، متهم مدتی را به صورت غیر ضروری در بازداشت می‌ماند.

۲- صدور قرار تأمین بدون وقوع جرم: گاهی در دادسرا بدون اینکه وقوع جرم واقعاً محرز شود با صدور قرار بازداشت یا قرار تأمین دیگر به بازداشت متهم اقدام می‌شود، به خصوص در موارد فوت مشکوک.

۳- گاهی به لحاظ قبح عمل و غیراخلاقی بودن فعل انجام شده مقام قضایی بدون کوچک‌ترین دلیل و قرینه‌ای با صدور قرار تأمین متهم را بازداشت می‌نماید.

۴- گاهی قرار تأمین نامتناسب منتهی به بازداشت غیرقانونی متهم می‌شود یا اینکه قرار بازداشت در خصوص وی صادر می‌شود.

۵- در بعضی موارد، عده‌ای از قضات به دلایل نامعلوم و غیرقانونی از قبول کفیل معرفی شده یا وثیقه تودیع شده جهت آزادی متهم خودداری می‌کنند.

۶- صدور عمدی قرار تأمین در اواخر وقت اداری به منظور بازداشت متهم.

۷- عدم توجه به مواعد قانونی جهت فک قرار و ابقای آن.

۸- عدم اظهار نظر در خصوص قرار بازداشت یا قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم در مهلت

بیست و چهار ساعته قانونی.

۹- در مواردی قرار موقوفی تعقیب یا منع تعقیب متهم بازداشت شده صادر می‌شود، اما به

لحاظ تسامح کادر دفتری، متهم مدتی در بازداشت غیرقانونی می‌ماند.

۱۰- عدم تخفیف تأمین در مواردی که دلایل له متهم تقویت می‌شود.

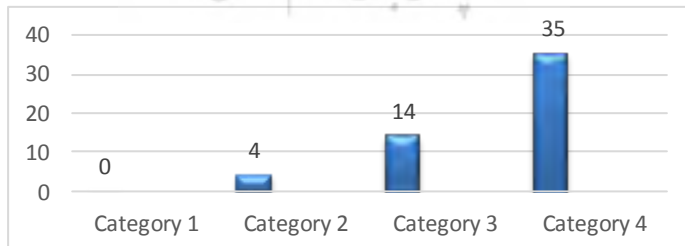
- ۱۱- صدور قرار مجرمیت برای متهمی که در بازداشت است، با وجود عدم احراز بزه و عدم اقناع وجدانی بر بزهکاری متهم که این امر باعث می‌شود تا متهم بخت برگشته تا زمان صدور حکم برائت از سوی دادگاه در بازداشت بماند.
 - ۱۲- عدم بدرقه به موقع متهمان به حوزه قضایی ذیصلاح.
 - ۱۳- تجدید جلسه رسیدگی به دلایل واهی و غیرقانونی.
 - ۱۴- عدم انجام سریع و صحیح نیابت در پرونده‌های زندانی‌دار و تلقی نیابت به‌عنوان تکلیف تحمیلی از سوی تعدادی از قضات.
 - ۱۵- صدور نیابت‌های مجمل، مبهم و ناقص.
 - ۱۶- طولانی شدن رساندن پرونده از سوی اداره پست به مرجع مربوطه.
 - ۱۷- عدم انجام تحقیقات کافی و به‌موقع که به علت نقص تحقیقات و ارجاع مجدد جهت تکمیل تحقیقات موجبات اطاله دادرسی را فراهم می‌کند.
 - ۱۸- جابه‌جایی قضات از حوزه قضایی.
- به قضات و مقامات ذی‌ربط توصیه می‌شود که موارد فوق‌الذکر را در رسیدگی لحاظ کرده و از این طریق گامی در جهت کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها بردارند.

۵. تحلیل آماری

در این قسمت از تحقیق جهت تبیین نقش عوامل بررسی شده در جریان تحقیق با تنظیم پرسشنامه از تعداد یکصد نفر از قضات دادگاه‌های کیفری استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، نظرسنجی به عمل آمد. ماحصل آن به شرح زیر است:

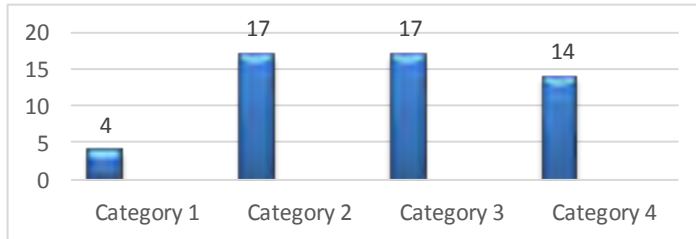
- ۱- حبس‌گرایی مقنن به چه میزان در روانه کردن افراد به زندان توسط قضات و افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها مؤثر است؟

الف: خیلی کم ب: کم ج: متوسط د: زیاد



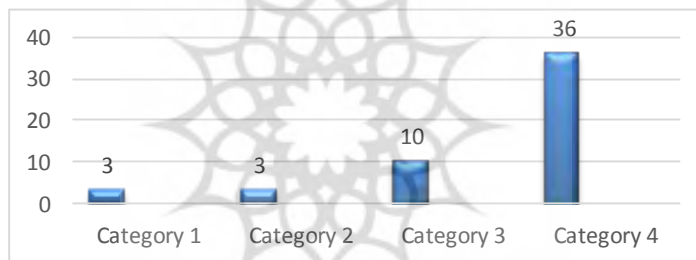
۲- حبس‌گرایی آحاد جامعه به چه میزان در روانه‌کردن افراد به زندان توسط قضات و افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها مؤثر است؟

الف: خیلی کم ب: کم ج: متوسط د: زیاد



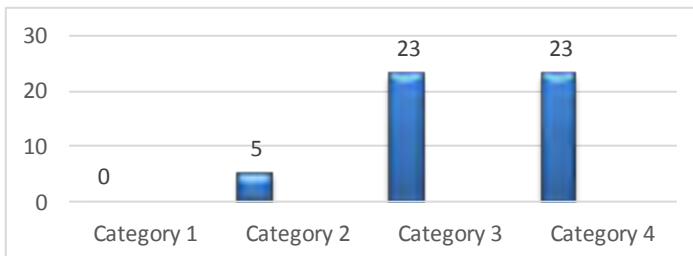
۳- بی‌اعتقادی قضات به مجازات‌های جایگزین به چه میزان در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها مؤثر است؟

الف: خیلی کم ب: کم ج: متوسط د: زیاد



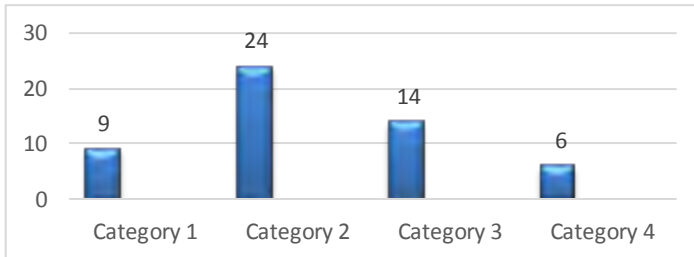
۴- فقدان جایگزین‌های مناسب برای برخی مجازات‌ها از نظر قضات به چه میزان در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها مؤثر است؟

الف: خیلی کم ب: کم ج: متوسط د: زیاد



۵- اشتباهات قضایی به چه میزان در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها مؤثر است؟

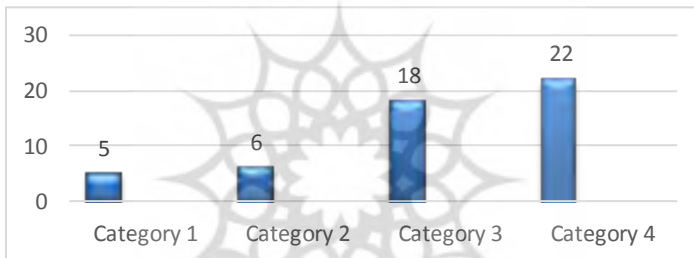
الف: خیلی کم ب: کم ج: متوسط د: زیاد



۶- عدم آگاهی برخی مقامات قضایی به وضعیت نامطلوب زندان به چه میزان در افزایش جمعیت

کیفری زندان‌ها مؤثر است؟

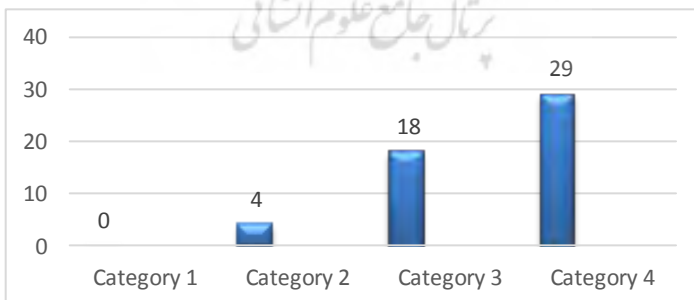
الف: خیلی کم ب: کم ج: متوسط د: زیاد



۷- سابقه کار یک قاضی در رسیدگی به پرونده‌های دارای مجازات سنگین حبس به چه میزان در

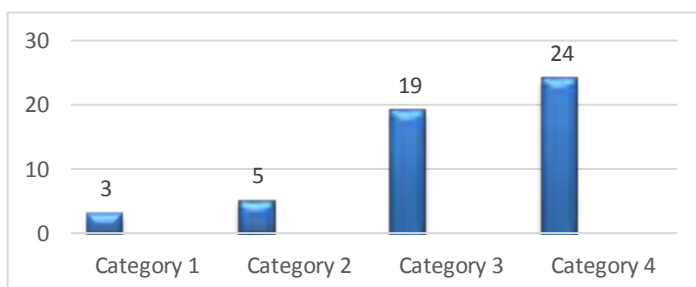
افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها مؤثر است؟

الف: خیلی کم ب: کم ج: متوسط د: زیاد



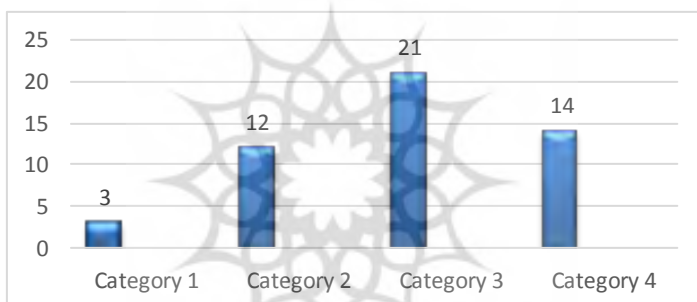
۸- بی‌تجربگی مقام قضائی به چه میزان در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها مؤثر است؟

الف: خیلی کم ب: کم ج: متوسط د: زیاد



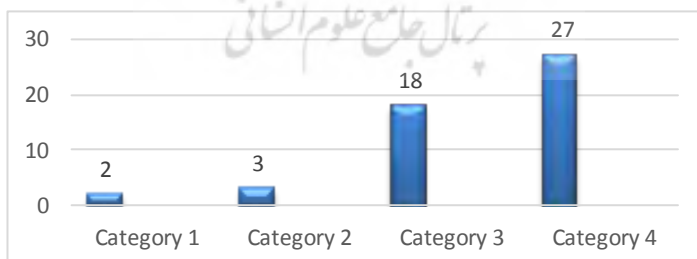
۹- سوابق بزه‌دیدگی یک مقام قضایی یا نزدیکان وی به چه میزان در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها مؤثر است؟

الف: خیلی کم ب: کم ج: متوسط د: زیاد



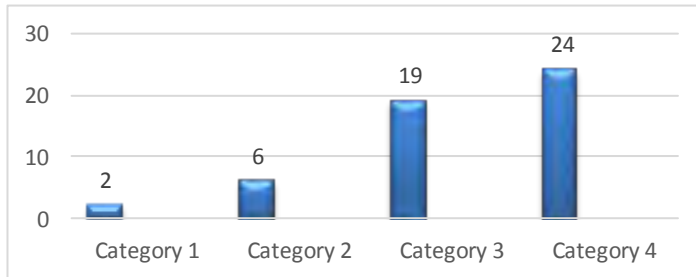
۱۰- عدم آگاهی مقام قضائی به دانش‌های جرم‌شناختی به چه میزان در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها مؤثر است؟

الف: خیلی کم ب: کم ج: متوسط د: زیاد



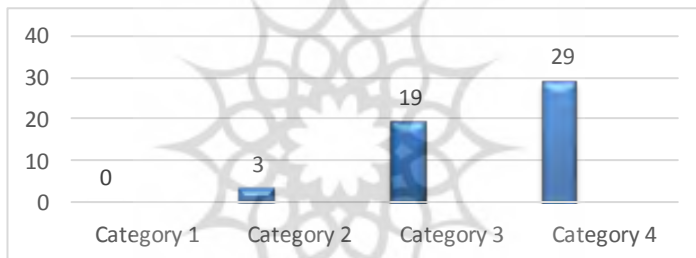
۱۱- به نظر شما سوابق تربیتی و خانوادگی مقام قضائی به چه میزان در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها مؤثر است؟

الف: خیلی کم ب: کم ج: متوسط د: زیاد



۱۲- بازدید مستمر و مداوم و دقیق مقامات قضائی تا چه حد می‌تواند به کاهش جمعیت کیفری یاری رساند؟

الف: خیلی کم ب: کم ج: متوسط د: زیاد



همان‌گونه که از توجه به نمودارها مشاهده می‌شود تمام قضات پاسخ‌دهنده نقش عوامل بررسی‌شده در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها را مورد تأیید قرار داده‌اند و می‌توان با به‌کارگیری عوامل، گام مثبتی در بهبود جمعیت زندان برداشت.

فرجام

از این تحقیق به این نکته پی می‌بریم که در کنار دیگر عوامل تقنینی و اجرایی، عوامل مؤثر از نظر قضایی وجود دارند که به انباشت نیروهای عموماً فعال جامعه در زندان‌ها منجر می‌شود و روزانه افراد زیادی را به جمعیت کیفری تبدیل می‌کنند. درواقع، سیاست جنایی قضایی ما سنجیده و دقیق عمل نمی‌کند. مجازات‌گرایی آحاد جامعه که از رویکرد سزاگرایی نشأت می‌گیرد در تصمیم قضات مؤثر می‌افتد و قضات جهت تسکین افکار عمومی و جلب رضایت آنان در مواردی دچار عوام‌گرایی کیفری می‌شوند که لازم است به قضات در این خصوص آموزش‌ها و آگاهی‌های لازم داده شود.

پیشینه خانوادگی و تربیتی قضات در دوران کودکی پایه‌های شخصیت آنان را فراهم می‌سازد، تعارض‌های احتمالی موجود در دوران کودکی در درون او افکنده می‌شود، نظرها و خواست‌های متعارض والدین در او نقش می‌بندد و پایه یک شخصیت نامتعادل را فراهم می‌سازد و بر این اساس در موقع قضاوت رفتاری نامتعادل خواهد داشت؛ بنابراین در گزینش قضات باید به پیشینه خانوادگی و تربیتی او توجه داشت و در دوران خدمت وی نیز از ارتقای تربیت وی غافل نشد.

سابقه بزه‌دیدگی برخی قضات از عوامل حبس‌گرایی آنان است و مقام قضایی مذکور ناخودآگاه با شدت عمل نشان‌دادن در خصوص مجرمان در واقع درصدد انتقام‌گیری از آنان برمی‌آید و می‌طلبد تا نظام عدالت کیفری در حمایت از بزه‌دیده نقش مؤثری ایفا کند و از آسیب‌های روانی جرم برمجنی علیه بکاهد.

پیشگیری از وقوع جرم از طریق حمایت مادی و معنوی از زندانیان واجد شرایط و فراهم‌نمودن زمینه مساعد جهت بازگشت آنان به یک زندگی اجتماعی سالم در پرتو سازمان منسجم مراقبت از خروج از زندان اهمیتی چشمگیر دارد.

جهت تأثیرگذاری در قضات برای استفاده از جایگزین‌های حبس باید نسبت به ارتقای سرمایه اجتماعی در ایران اقدام عاجل و بایسته صورت گیرد و می‌توان با فرهنگ‌سازی لازم در نزد قضات و برگزاری کلاس‌های آموزشی و توجیهی و به‌کارگیری ظرفیت‌های صداوسیما به هدف مطلوب در این مورد نائل شد. نبود سازوکارهای اجرایی برخی جایگزین‌ها نیز از عوامل افزایش جمعیت کیفری است. برای مثال معلوم نیست نحوه احراز رعایت یا عدم رعایت دستورات ذکرشده در بندهای ماده ۴۳ چگونه است؛ پیشنهاد می‌شود تا طی دستورالعملی مراتب مذکور تعیین تکلیف شود.

بی‌تجربگی قضاتی که مقنن اختیار صدور حکم به آنان داده است نیز در افزایش جمعیت کیفری مؤثر است و حتی‌المقدور باید به نحو صحیح و دقیق معیارهای تعیین کیفر برای قضات تشریح شود.

ارائه آموزش‌های جرم‌شناختی به قضات در کشور ما به نحو مطلوب صورت نمی‌گیرد و لازم است تا با آموزش جرم‌شناسی به قضات بیاموزند که در مورد مجرم پیش‌داوری عجولانه نکنند و به ریشه جرم توجه نمایند و با وسعت نظر و سعه‌صدر با پدیده بزهکاری برخورد نمایند؛ بازدید مستمر و مداوم از زندان‌ها، اثرات مطلوب و سازنده‌ای را در بهینه‌سازی وضع زندان‌ها، شناسایی و رفع مشکلات زندانیان، شناخت مسائل و مشکلات اجتماعی و تقویت روحیه زندانی و

آماده‌سازی وی جهت بازگشت سعادت‌مندان به اجتماع و تشویق مسئولان و مراقبان زندان‌ها را در پی دارد.

اشتباهات قضایی در رسیدگی‌ها در دادسرا، محاکم و همچنین در مرحله اجرای حکم از دیگر عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها می‌باشند و می‌توان با ارائه آموزش‌های لازم و بهبود نظارت‌های درون‌سازمانی نسبت به رفع عوامل اقدام کرد.

نظرسنجی از قضات نشان داد که عوامل مارالذکر در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها فوق‌العاده مؤثر هستند فلذا برنامه‌ریزی در رفع عوامل، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دارد.

منابع فارسی

- پیکا، ژرژ (۱۳۹۳)، *جرم‌شناسی*، مترجم علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲)، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ ششم، تهران: احمدی
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی حقوق کیفری*، تهران: میزان.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، *سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- شاهنگی، محمدحسین (۱۳۸۷)، *زندان‌زدایی نگاهی نو به زندان و زندانی*، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۹)، *حقوق و اجتماع*، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- صفاری، علی (۱۳۹۲)، *مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی*، چاپ دوم، تهران: جنگل.
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- کونانی، سلمان، جمال انصاری و اسلام مندنی (۱۳۹۲)، *سیاست جنایی از گفت‌وگو تا بر ساخت‌های ریزومیک شده و ناروا*، چاپ دوم، تهران: مجد.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا (۱۳۸۵)، *سیاست جنایی قضایی*، چاپ دوم، تهران: سلسبیل.
- لازرژ، کریستین (۱۳۷۵)، *سیاست جنایی*، مترجم علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: پلدا.
- مجموعه قوانین و مقررات انجمن‌های حمایت از زندانیان (۱۳۸۷)، دفتر اقدامات تأمینی، تهران: شلاک.
- محمدی، داود (۱۳۸۴)، *مجازات‌های جایگزین*، زنجان: عود.
- محمودی، عباسعلی (۱۳۸۱)، *زیان زندان*، تهران: حقوقی.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۱)، *تحلیل مبانی حقوق جزا* [کریستوفر کلارکسون]، تهران: معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- شهشانی میرشمس، مانده (۱۳۸۶) *مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها*، تهران: میزان.
- معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۷)، *حبس‌زدایی*، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.

- معظمی، شهلا (۱۳۸۹)، *بزهکاری کودکان و نوجوانان*، چاپ سوم، تهران: دادگستر.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۶)، *تازه‌های علوم جنایی*، تهران: میزان.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی (۱۳۷۷)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی‌توانا، علی (۱۳۹۱)، *جرم‌شناسی*، چاپ پانزدهم، تهران: آموزش و سنجش.
- هاشمی‌شاهرودی، محمود (۱۳۸۶)، *صحیفه عدالت*، جلد چهارم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

